



# VISAPICK

Pick your visa, Meet your dream

جزوه کلمات ریڈینگ کورس آیلٹس ۴/۵

**IELTS**

# جزوه کلمات ری‌دینگ

## کورس آیلتس ۴/۵ ویزاپیک

دوستان عزیزم، در این جزوه ۲۰۰ کلمه از مهمترین و متداولترین کلمات موجود در متن های بخش ۱ و ۲ ری‌دینگ آیلتس جنرال به همراه ترجمه فارسی آنها گردآوری شده است.

در هنگام استفاده از این جزوه به نکات زیر دقت کنید:

- « این جزوه مشخصاً برای افرادی که نیاز به نمره کلی ۴/۵ در آیلتس جنرال دارند تهیه شده است و برای نمرات بالاتر کافی نیست.
- « هدف از طراحی این جزوه، آشنا شدن شما با معادل فارسی کلمات متداول در متون بخش های ۱ و ۲ ری‌دینگ جنرال است، به شکلی که درک مطلب شما از متن افزایش یابد و پیدا کردن پاسخ سوالات ساده تر شود.
- « در این جزوه مهم ترین و متداول ترین کلمات متن های ری‌دینگ جنرال جمع آوری شده است و همه کلمات پوشش داده نشده اند.
- « نقش دستوری کلمات جلوی آنها نوشته شده است:

▲ N: NOUN: اسم

▲ ADJ: ADJECTIVE: صفت

▲ ADV: قید

▲ V: VERB: فعل

▲ PREP: PREPOSITION: حرف اضافه

- « رمز موفقیت در استفاده از این جزوه، مرور مکرر است. پس تا جایی که می توانید این جزوه را مرور کنید تا جایی که اطمینان یابید اگر کلمه انگلیسی را در متنی ببینید، معنای فارسی آن را خواهید دانست.

**WORD****Meaning in Farsi**

To be required	لازم بودن
Property (n)	دارایی
Install (v)	نصب کردن
Available (adj)	در دسترس
Protection (n)	محافظت
Evaluate (v)	ارزیابی کردن
Domestic (adj)	خانگی-داخلی
dispose of (v)	دور انداختن
nevertheless	با این وجود
reduce (v)	کم کردن
essential (adj)	مهم-ضروری
construction (n)	ساخت
access (n,v)	دسترسی داشتن-دسترسی
effective (adj)	موثر
specification (n)	خصوصیت
internal (adj)	داخلی
external (adj)	خارجی
marketing (n)	بازاریابی
distribute (v)	پخش کردن

**WORD****Meaning in Farsi**

contractor (n)	پیمانکار
maintain (v)	حفظ و نگهداری کردن
skill (n)	مهارت
knowledge (n)	دانش
current (adj)	فعلی
identity (n)	هویت
expect (v)	انتظار داشتن
performance (n)	اجرا
opportunity (n)	فرصت
concession (n)	امتیاز
permit (v)	اجازه دادن
sales (n)	فروش
advertising (n)	تبلیغات
client (n)	مشتری
achieve (v)	به دست آوردن
impact (n)	اثر
effect (n)	اثر
influence (n)	اثر
assess (v)	ارزیابی کردن



**WORD****Meaning in Farsi**

accept (v)	پذیرفتن
except (prep)	به جز
delay (v,n)	تاخیر-به تاخیر انداختن
identical (adj)	مشابه
accommodation (n)	محل اقامت
pharmacy (n)	داروخانه
departure (n)	خروج
recycle (v)	بازیابی کردن
arrival (n)	ورود
display (v)	نشان دادن
overseas (adv)	کشورهای خارجی
destination (n)	مقصد
responsibility (n)	وظیفه
issue (n)	مورد-موضوع
legal (adj)	قانونی
provide (v)	فراهم کردن
trade (n)	تجارت
refund (v)	پس دادن پول
staff (n)	کارمندان

**WORD****Meaning in Farsi**

dispute (n)	اختلاف نظر
manual (adj)	دستی-غیر اتوماتیک
recipe (n)	دستور پخت
safety (n)	ایمنی
investigation (n)	تحقیق و بررسی
retail (n)	خرده فروشی
costume (n)	لباس
plumber (n)	لوله کش
considerations (n)	تجهیزات
equipment (n)	امتیاز
harmful (n)	مضر
poison (n)	سم
illness (n), disease	بیماری
insulation (n)	عایق بندی
flexible (adj)	منعطف
output (n)	خروجی
recommend (v)	پیشنهاد کردن
residential (adj)	مسکونی
allow (v)	اجازه دادن



**WORD****Meaning in Farsi**

temporary (adj)	موقت
permanent (adj)	دائمی
injury (n)	آسیب دیدن
occur (v)	اتفاق افتادن
maternity leave (n)	مرخصی زایمان
spouse (n)	همسر
proof (n)	اثبات
circumstances (n)	شرایط
competitive (adj)	رقابتی
convenient (adj)	راحت و مناسب
affordable (adj)	مقرون به صرفه
calendar (n)	تقویم
progress (n)	پیشرفت
recruitment (n)	استخدام
creativity (n)	نو آوری
seek (v)	جستجو کردن
familiar (adj)	آشنا
get a promotion	ترفیع گرفتن
considerable (adj)	قابل توجه

**WORD****Meaning in Farsi**

timetable (n)	جدول زمانی
variety (n)	تنوع
embarrassing (adj)	خجالت آور
colleague (n)	همکار
purpose (n)	قصد
reach (v)	رسیدن-دست یافتن
propose (n)	پیشنهاد کردن
promote (v)	ترقی دادن
maintenance (n)	نگهداری
the environment (n)	محیط زیست
previous (adj)	قبلی
vehicle (n)	وسیله نقلیه
wildlife (n)	حیات وحش
benefit (n)	سود-مزیت
shelter (n)	پناهگاه
prospect (n)	چشم انداز
focus (n)	تمرکز
enhance (v)	افزایش دادن-بالا بردن
raise (v)	افزایش دادن-بالا بردن



**WORD****Meaning in Farsi**

volunteer (n)	داوطلب
critical (adj)	مهم
relevant (adj)	مربوط
medical (adj)	پزشکی
therapy (n)	درمان
individual (n,adj)	شخصی-شخص
receive (v)	دریافت کردن
include (v)	شامل شدن
industry (n)	صنعت
tutor (n)	معلم
graduate (n,v)	فارغ التحصیل شدن
adapt (v)	آداپت شدن
exciting (adj)	هیجان انگیز
develop (v)	توسعه دادن
premises (n)	محل و مکان
seek (v)	جستجو کردن
community (n)	اجتماع
local (adj)	محلی
height (n)	ارتفاع

**WORD****Meaning in Farsi**

occasionally (adv)	بعضی وقت ها
annual (n)	سالانه
healthy (adj)	سالم
commitment (n)	تعهد
calculate (v)	محاسبه کردن
separate (v,adj)	جدا کردن-جدا
explain (v)	توضیح دادن
agreement (n)	توافق
facilities (n)	امکانات
carry (v)	حمل کردن
content (n)	محتویات
located (adj)	واقع شده
treatment (n)	درمان
comfortable (adj)	راحت
registration (n)	ثبت کردن
purchase (v,n)	خرید کردن-خرید
contract (n)	قرارداد
issue (v)	صادر کردن
disabled (adj)	ناتوان

**WORD****Meaning in Farsi**

concerned (adj)	نگران
remaining (adj)	باقیمانده
employer (n)	کارفرما
be entitled to	حق داشتن
maternity allowance	حقوق بارداری
at least	حداقل
average (n)	متوسط
income (n)	درآمد
optional (adj)	اختیاری
habit (n)	عادت
boost (v)	تقویت کردن
aware (adj)	آگاه
concern (n)	دغدغه
admission (n)	پذیرش
fund (n)	پول و سرمایه
talent (n)	استعداد
device (n)	وسیله
honour (n)	افتخار
situation (n)	وضعیت

**WORD****Meaning in Farsi**

assessment (n)	ارزیابی
arrive (v)	رسیدن
efficient (adj)	کارآمد
commercial (n)	تبلیغ
leisure (n)	اوقات فراغت-تفریح
regulations (n)	قوانین
compulsory (n)	اجباری
particular (adj)	مشخص
regular (adj)	منظم
welfare (n)	رفاه
obligation (n)	اجبار
jewellery (n)	جواهرات
ban (v,n)	منع کردن-ممنوعیت
restriction (n)	محدودیت
demand (v,n)	تقاضا کردن-تقاضا
communication (n)	ارتباط
prevent (v)	منع کردن
quality (n)	کیفیت
quantity (n)	کمیت

**WORD****Meaning in Farsi**

confidential (adj) محرمانه

detect (v) ردیابی کردن

insurance (n) بیمه

claim (v,n) ادعا کردن-ادعا

consider (v) در نظر گرفتن

**WORD****Meaning in Farsi**

compensation (n) جبران خسارت

request (v,n) درخواست کردن

vacancy (n) جای خالی

prepare (n) آماده کردن

invoice (n) فاکتور-صورت حساب

# پایان جزوه کلمات ریڈینگ

## کورس آیلتس ۴/۵ ویزاپیک

